

در واپسین روزهای سال گذشته خبر درگذشت روانشاد دکتر هوشنگ مقتدر استاد محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شادی نزدیک شدن به سال نور از دوستان و شاگردانش گرفت. برای گرامی داشت یاد آن عزیز متن مصاحبه اختصاصی ایشان با ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی را که سالها پیش صورت گرفته و در همین ماهنامه منتشر شده است در اینجا برای خوانندگان عزیز می آوریم.

گفت و شنودی درباره «منافع ملی»

دکتر هوشنگ مقتدر
استاد دانشکده حقوق و علوم
سیاسی دانشگاه تهران

است زیرا اگر کشوری مورد هجوم و تجاوز واقع شود، سایر منافع آن تحت الشعاع قرار می گیرد. اما در جامعه ای که از جنگ به دور مانده یا آن را پشت سر گذاشته است، اهداف دیگری از جمله بازسازی کشور، تأمین نیازهای مردمی، ترقی و پیشرفت علمی، صنعتی و کشاورزی، بهبود سیستمهای آموزشی و خدمات دیگری که موجب افزایش قدرت ملی و رفاه مردم می شود، در رأس برنامه ها قرار می گیرد. آنچه که در تعیین منافع ملی نقش اساسی ایفا می کند، نوع حکومت هر جامعه است زیرا در رژیمهای دموکراتیک مردم در تعیین سیاستها نقش زیادی ایفا می کنند در حالی که در کشورهای غیر دموکراتیک، منافع ملی توسط تعداد معدودی از افراد که گاه به یک نفر هم می رسد تعیین می شود و از طریق وسائل ارتباط جمعی به سراسر کشور تعمیم می یابد.

۳- تا آنجا که می دانیم تا کنون نه در سطح دانشگاهها و نه از سوی دولت تلاشی جدی برای تعیین چارچوب کلی منافع ملی ایران و ترسیم خطوطی در جهت تأمین این منافع صورت نگرفته است. آیا اقدام مشترکی از سوی مسئولان امور و اندیشمندان و کارشناسان را در این زمینه سودمند می دانید؟ این امر تا چه اندازه در محدود ساختن حرکت گروههای ذینفوذ در پهنه جامعه و کاستن از تأثیر برداشتها و نظرات فردی و گروهی مفید خواهد بود؟
□ ارتباط نزدیکی بین سیاست داخلی، سیاست خارجی و قدرت یک جامعه وجود دارد. به عبارت دیگر اجرای هدفهای یک جامعه بستگی به موازنه قدرت در بین هیئت حاکمه پیدا می کند. حتی در سیاست بین المللی نیز ممکن است به جای حرکت در راستای منافع کل جامعه، شاهد اعمالی در جهت کشمکشهای گروهی برای حفظ و افزایش قدرت باشیم. به همین دلیل تعیین یک

۱- تعریف جامع و مانعی از اصطلاح «منافع ملی» در دست نیست و درباره مفهوم دقیق و دامنه کاربرد آن اختلاف نظر وجود دارد. شما منافع ملی را چگونه تعریف می کنید؟

□ دیدگاههای مختلف، منافع ملی را به صورت های گوناگون تعریف کرده اند. به نظر عده ای منافع ملی بوسیله هیئت حاکمه در هر جامعه تعیین و اجرا می شود. به عقیده افلاطون که «نخبه گرا» است، در یک جامعه ایده آل باید گروهی واجد صفات خاص باشند و همین عده آنچه را که مصلحت جامعه است در نظر می گیرند و اراده و انتخاب عموم در تعیین منافع ملی نقشی ندارد در حالی که ارسطو تعیین منافع ملی را تنها از طریق دموکراتیک قابل قبول می دانست و معتقد بود که پس از مذاکره و مشاوره، ماحصل آن باید به اطلاع مردم برسد. اگر از دیدگاه ایدئولوژیک به مسائل نگاه کنیم، دید ما به کلی با آنچه که عرفاً و طبق عادت منافع ملی خوانده می شود، فرق می کند. به نظر من منافع ملی عبارت است از خیر عموم. این مفهوم در کارهای فلاسفه سیاسی بخصوص ژان ژاک روسو دیده می شود. روسو معتقد بود که خیر عموم را اراده عمومی تعیین می کند.

۲- گروهی از صاحب نظران، «منافع ملی» را واقعیتی عینی می دانند و برعکس عده ای آن را امری ذهنی تلقی می کنند. به نظر دسته اخیر، منافع ملی در واقع همان اصول و هدفهایی است که از سوی رهبران و سیاست گذاران در هر جامعه مشخص می شود. نظر شما در این باره چیست؟

□ من «منافع ملی» را واقعیتی عینی می دانم که با منافع کل جامعه مطابقت دارد. این منافع به اشکال مختلف طبقه بندی می شود. در درجه اول، حفظ تمامیت ارضی یک کشور جزو منافع ملی

چار چوب دقیق و مشخص از «منافع ملی» از طرف دولت بسیار ضروری است. پس از این مرحله، آنچه اهمیت می‌یابد، نحوه اجرای برنامه‌های تعیین شده است زیرا امروز مشروعیت حکومتها از توانایی آنها در حل مسائل جامعه‌ای که بر آن حکومت می‌کنند، شناخته می‌شود.

به عنوان مثال، در برنامه پنج‌ساله دولت جمهوری اسلامی ایران اهدافی طرح شده که باید از طریق سلسله مراتب اجرایی تحقق یابد. آنچه که بخصوص در مورد کشور ما بیشتر احساس می‌شود، وجود اتفاق نظری همه‌جانبه در مورد نیازها، مسائل و شیوه‌های حل آنهاست زیرا ایران که مدتها گرفتار جنگ بوده در برابر مشکلاتی چون کاهش درآمد نفت، افزایش جمعیت و از بین رفتن قسمتی از زیربنای اقتصادی، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و قابل اجرا برای بازسازی دارد. در حال حاضر که در دوران صلح به سر می‌بریم، برای مقابله با مشکلات داخلی احتیاج به اقداماتی سریع و مؤثر داریم. در صحنه بین‌المللی نیز لزوم رعایت ترمز همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای مختلف و همین‌طور همکاری با جوامع دارای تکنولوژی پیشرفته که مورد نیاز ماست احساس می‌شود، ضمن آنکه باید به استقلال و برابری کشورمان توجه داشته باشیم. در صورتی که اتفاق نظر در سطح بالاتری وجود داشته باشد، وسایل ارتباط جمعی می‌توانند نقش بسیار مؤثری در ترویج هماهنگی بین افکار مردم ایفا کنند و به نظر من در نظام قانون اساسی کشور ما نیز، این معنا قابل تصور است.

۴- تردیدی نیست که مفهوم «منافع ملی» نیز همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در طول زمان و در سایه تحول اوضاع سیاسی و اقتصادی و تغییر ساختار روابط بین‌المللی، دگرگون شده است. شما دامنه این دگرگونی را بویژه در مورد ایران تا چه اندازه می‌بینید؟

□ دگرگونی و تحول مفهوم منافع ملی، به دلیل تغییراتی است که در جهان به وقوع پیوسته است از جمله: خودداری از برخوردهای نظامی و ایدئولوژیک، توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی، پیروزی در میدان اندیشه، علم و بازار اقتصادی،

وجود جمعیت زیاد، آگاه شدن مردم از حقوق خود و در نتیجه افزایش مسئولیت زمامداران و سرانجام رسیدن جهان به یک بن‌بست اتمی. مجموع این عوامل حکومتها را تا اندازه‌ای موظف می‌کند که به نیازهای مردم پاسخ مثبت دهند و در اتخاذ تصمیمهای بین‌المللی به منافع مردم توجه کنند. به همین دلیل امروز به جای برخوردهای خصمانه شاهد رواج سیاست همکاری بین کشورهای جهان هستیم و ایران نیز از چنین قاعده‌ای نمی‌تواند مستثنی باشد و برای بازسازی و تحقق منافع ملی باید با سایر کشورها روابطی مؤثر برقرار کند.

۵- به عقیده شما آیا هدف غایی از تأمین منافع ملی، حفظ و افزایش «قدرت ملی» است؟ اگر چنین است، چه چیزهایی را در شمار پایه‌ها و عناصر سازنده قدرت ملی می‌شناسید؟

□ به نظر من هدف منافع ملی افزایش و توسعه «قدرت ملی» نیست، گرچه میزان قدرت سهم بسیار مهمی در سیاست خارجی یک کشور دارد. به تجربه ثابت شده است که اگر کشوری ضعیف باشد یا دارای همسایگانی طماع و متجاوز، نمی‌تواند امنیت خود را حفظ نماید اما نباید تصور کنیم که منظور از قدرت، تنها قدرت نظامی است و آن هم فقط از طریق خرید سلاح از خارج تأمین می‌شود. قدرت ملی به معنای داشتن یک جامعه منسجم و سالم از نظر فیزیکی و روانی است که مجهز به تکنولوژی جدید باشد، دانشگاهها و مراکز علمی آن مورد احترام باشد، امکانات و تسهیلات عمده‌ای در اختیار مراجع تحقیقاتی قرار بگیرد ضمن آنکه تحقیقات بومی برای حل مسائل داخلی فراموش نشود. به قول سعدی:

کهن جامه خویش آراستن

به از جامه عاریت خواستن

بنابراین اگر ما خواهان قدرت ملی هستیم باید به مردم توجه بکنیم و آن را نزد مردم بجوئیم و همراه با وارد کردن تکنولوژی مورد نیاز، تقویت تکنولوژی بومی کشور را فراموش نکنیم. البته این معنا یک شبه حاصل نمی‌شود بلکه مستلزم برنامه‌ریزی درازمدت است. بار دیگر یادآوری می‌کنم که امروز قدرت نظامی رابطه بسیار نزدیکی

○ تجربه ثابت کرده است که پیروی از سیاست‌های خصومت‌آمیز ثمری ندارد. منابع و امکانات ایران باید صرف حل مشکلات داخلی شود و سیاست خارجی کشور بر مبنای قبول اصول منشور سازمان ملل متحد باشد که بر استقلال، حاکمیت و برابری کشورها، و اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تأکید دارد

آمادگی روانی برای يك بازسازی وسیع و يك تلاش اقتصادی سراسری، آمادگی وجود دارد و كافی است كه دولت هم برای حل مشکلات اقداماتی مؤثر انجام دهد.

هر چند در يك یا دو سال اخیر تلاشی در این زمینه انجام شده اما به عنوان مثال نه تورم از بین رفته است و نه اختلافات شدید طبقاتی. بار دیگر تأکید می‌کنم هر چه اتفاق نظر و هماهنگی بین اعضای دولت یا هیئت حاکمه بیشتر وجود داشته باشد با توجه به آمادگی و تلاش همه جانبه مردم، مشکلات سریعتر از بین می‌رود.

۸- آیا دستگاه وزارت امور خارجه را برای طراحی و پیشبرد يك سیاست خارجی فعال و وزین توانا می‌بینید؟ چه پیشنهادهایی در این زمینه دارید؟

□ وزارت امور خارجه جدا و منزوی از کل کشور نیست. بنظر من عملکرد این دستگاه تا امروز خوب بوده است اما همان خط‌مشی کلی كه در جاهای دیگر می‌بینیم در وزارت امور خارجه هم دیده می‌شود. دیپلماسی يك کشور نه تنها باید نسبت به رویدادهای جهانی واکنش نشان دهد، بلکه باید از فرصتهای پیش آمده به نحو مطلوب استفاده کند. با توجه به اینکه منابع ایران، خواستههای کشور را محدود می‌کند- زیرا در جهان حتی کشورهای امپریالیستی نیز همواره نمی‌توانند آنچه‌چنان‌که می‌خواهند عمل کنند- باید از يك سیاست مسالمت آمیز پیروی نمود و همت خود را بر تأمین منافع ملی صرف کرد. در این زمینه وزارت امور خارجه فعال بوده است. پس از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، امروز از جمله مناطقی كه امکان صادرات را برای ایران فراهم می‌کنند، کشورهای حوزه خلیج فارس و منطقه هستند و برقراری روابط اصولی و حسنه با آنها در نهایت به تحقق منافع کشور ختم می‌شود.

تجربه ثابت کرده است كه پیروی از سیاستهای خصومت آمیز، ثمری ندارد. به نظر من منابع و امکانات ایران باید صرف حل مشکلات داخلی شود و سیاست خارجی کشور بر مبنای قبول اصول منشور سازمان ملل متحد باشد كه بر استقلال، حاکمیت و برابری کشورهای اصل عدم مداخله در امور داخلی يكديگر تأکید دارد. يك

با قدرت اقتصادی، کیفیت مطلوب صنایع، بالا رفتن تولید کشاورزی، وجود افراد سالم و تجهیز جامعه به علوم جدید دارد و در کنار همه اینها انسجام جامعه و اتفاق نظر برای تعیین خط‌مشی مورد نیاز ضروری است.

۶- بدون شك، علاوه بر تعیین منافع ملی و تنظیم برنامه برای تحقق هدفها، وجود يك دستگاه اجرایی سالم و كارا نیز اهمیتی انكار ناپذیر دارد. توصیه شما برای رفع نارسائیهای موجود در سیستم اداری و اجرایی کشور چیست؟

□ يك سیستم اداری و اجرایی باید بر مبنای لیاقت و شایستگی افراد استوار باشد. هر چند كه این امر در هیچ جا بطور كامل حاصل نمی‌شود اما عدم رعایت اصل مذکور در جهان سوم بیش از همه جا به چشم می‌خورد. سیستم كاری در جهان سوم بر مدار رابطه می‌چرخد و در مراكز اداری و اجرایی آنچه حضور ندارد ضابطه و اصول است. در ایران نیاز زیادی به افراد متخصص داریم كه باید جذب شوند. توصیه من این است كه كارشناسان و متخصصان مورد استفاده قرار بگیرند و افراد بر مبنای علم، لیاقت و شایستگی خود، به كار مشغول شوند هر چند كه به لحاظ رابطه جایی نداشته باشند.

۷- به نظر شما، در کشور ما، عوامل بازدارنده و شكافهای موجود در راه تأمین منافع ملی چیست؟ چه چیزهایی را می‌توان از میان برداشت یا اصلاح کرد و چه عوامل تازه‌ای را باید به كار گرفت؟

□ در کشورهای جهان سوم، دولت باید راهگشا و حلال مشکلات باشد زیرا تمام منابع را در اختیار دارد. کشور ما در مرحله بازسازی است اما در کنار این هدف، مسائلی چون بالا بردن سطح زندگی مردم، جلوگیری از تورم، گسترش تولید و افزایش کیفیت آن دیده می‌شود. مردم كمبودها را شدیداً احساس می‌کنند و بطور جدی متوجه نابسامانیهای اقتصادی هستند. افسار مختلف مردم برای گذران زندگی روزمره خود از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند بطوری كه امروزه شاهد مسافر كشی كارمندی هستیم كه زیر بار مشکلات اقتصادی پشت خم شده است. بنابراین از نظر

○ توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است و ملاك آن، مشاركت مردم در كارهای عمومی، رغبت و علاقه آنها به امور سیاسی جامعه، شركت وسیع در انتخابات، و وجود تریبونهای آزاد و وسایل ارتباط جمعی مستقل است.

کشور جهان سوم که مسائل و مشکلات بیشماری دارد، با پیروی از خط‌مشی و سیاستی که بیان شد می‌تواند منطبق با منافع ملی جامعه خود حرکت کند. به قول حافظ:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی بر کن که رنج بیشمار آرد

۹- مشارکت مردم در امور عمومی یکی از مهمترین عوامل پیشرفت و پویایی هر جامعه و از بزرگترین پشتوانه‌های «قدرت ملی» است. آیا در این مورد تفاوتی بین مسائل مربوط به سیاست خارجی و امور داخلی (اقتصادی- فرهنگی- اجتماعی) قائل هستید؟ به عبارت دیگر، آیا همواره تمایلات و احساسات عامه مردم در راستای منافع ملی و مصلحت عمومی قرار دارد و همگانی کردن «سیاست» در همه حال سودمند می‌باشد؟

□ چنانچه هدف‌های يك حکومت منطبق با نیازهای مردم باشد، ملت از آن حمایت خواهد کرد. يك سیاست خارجی موفق مستلزم پشتیبانی وسیع داخلی است و من فرقی زیادی بین تعقیب هدف‌های خارجی و داخلی نمی‌بینم. هر دو دارای يك منشأ با عرصه‌های اجرایی مختلف هستند. در سیاست داخلی دست دولت باز است زیرا موانع جدی نمی‌تواند وجود داشته باشد و از آنجایی که در جهان سوم منابع در دست دولتهاست، تنها اختیار و اراده دولت برای حل مشکلات کافی است. به عنوان مثال، آلودگی هوا که امروز جزو مشکلات جامعه ما محسوب می‌شود، با تلاش جدی و پیگیر مسئولین از بین خواهد رفت. اما در امور بین‌الملل، دولتها امکان فعالیت‌های آزادانه را ندارند زیرا بیش از ۱۷۰ کشور در جهان با خواسته‌ها و منافع مختلف حضور دارند که باید به آنها توجه داشت. بنابراین سیاست‌های داخلی اگر بر مبنای اتفاق نظر مسئولین و خواسته‌های واقعی مردم باشد مورد حمایت ملت قرار می‌گیرد و پشتیبانی مردم از اهداف و برنامه‌های حکومتی، عامل مهمی در به ثمر رساندن آن خواهد بود.

۱۰- توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین

اهداف هر دولت است ولی بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه سیاسی و تقویت زیربنای فرهنگی جامعه را مقدم بر آن و شرط لازم برای تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌دانند. نظر شما در این باره چیست و چه عواملی را زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده توسعه سیاسی به حساب می‌آورید؟

□ به نظر من، توسعه سیاسی مقدم بر سایر زمینه‌هاست و ملاک آن، مشارکت مردم و رغبت و میل آنان به امور سیاسی جامعه، شرکت وسیع در انتخابات، وجود تریبون‌های آزاد و وسائل ارتباط جمعی مستقل است.

با این حال در جهان سوم به جای خواست مردم، سیاست‌های گروهی اعمال می‌شود. واضح است که هر چه جامعه بیشتر دموکراتیک گردد، مردم نقش فعال‌تری خواهند داشت. به نظر من توسعه اقتصادی در يك جامعه خیلی از مسائل را حل می‌کند و به همراه خود فرهنگ جدیدی هم به وجود می‌آورد. آنچه برای کشورهای جهان سوم ضروری است، يك اراده قاطع در سطح دولت است که می‌تواند مردم را برای توسعه اقتصادی و همراه آن، توسعه فرهنگی آماده کند.

۱۱- در زمینه سیاست خارجی، منافع

ملی ایران را در سطح منطقه و جهان

چگونه تعریف می‌کنید؟

□ در سطح جهان، سیاست خارجی ایران باید

منطبق با امکانات و نیازهای کشور باشد. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد از درآمد ارزی ایران از طریق فروش نفت به دست می‌آید و ما باید سایر زمینه‌های ارزی را توسعه دهیم. یکی از مهمترین منابع ما گاز است که پروژه آن به دلیل پیشدستی شوروی در فروش گاز به آلمان که باید توسط ایران اجرا می‌شد، متوقف ماند. همین‌طور صنایع پتروشیمی باید تقویت شود و در این زمینه می‌توان عقب‌ماندگی ناشی از عدم اجرای پروژه پتروشیمی ایران توسط ژاپن را جبران کرد. همچنین ورود تکنولوژی مورد نیاز برای بازسازی و روابط تجاری سودمند با کشورهای جهان باید مورد توجه قرار بگیرد. در سطح منطقه نیز همان‌طور که اشاره کردم، تز همکاری

○ نظام اداری و اجرایی

باید بر مبنای لیاقت و شایستگی افراد استوار باشد، لکن در جهان سوم سیستم کاری بر مدار رابطه می‌چرخد و چیزی که در مراکز اداری و اجرایی وجود ندارد، ضابطه و اصول است.

مسالمت‌آمیز با کشورهای خلیج فارس که می‌توانند بازار خوبی برای فروش صادرات کشورمان باشند، قابل اجراست.

۱۲- با توجه به بحران خلیج فارس و حضور نیروهای بیگانه در منطقه، چه سیاست یا سیاستهایی را برای تأمین هر چه بهتر منافع ملی ایران در درازمدت مناسب می‌دانید؟

□ ما کشوری از جهان سوم هستیم که از نظر اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی منابع محدودی داریم و باید از یک سیاست صحیح که منطبق با نیازها و امکانات کشور باشد پیروی کنیم. در غیر این صورت دچار تضاد خواهیم شد یعنی در عین حال که برای رسیدن به خودکفایی شعار می‌دهیم و امپریالیسم را محکوم می‌کنیم، خود در دام نیاز به ابرقدرتها گرفتار می‌شویم. برای مثال، در طول جنگ مجبور به خرید اسلحه از کشورهای دیگر شدیم و این امر، با شعارهایی که می‌دادیم، هماهنگ نبود. بنابراین اگر کشوری می‌خواهد استقلال خود را حفظ کند، خودکفا باشد و به سایر ملتها مثل فلسطین کمک کند، باید ابتدا خود را از حلقه‌های مداوم نیاز به دیگران رها کند تا بتواند به اهداف خود جامعه عمل ببوشاند و رسیدن به چنین مرحله‌ای جز بوسیله سیاست مسالمت‌آمیز با سایر کشورها ممکن نیست. اتخاذ چنین سیاستی به ما توان دستیابی به تولید مناسب و تقویت صنایع ملی را خواهد داد. امروز کشورهای جهان در رابطه با ایران به سه گروه تقسیم می‌شوند. دسته اول به لحاظ داشتن تکنولوژی مورد نیاز کشور ما، می‌توانند مفید باشند. گروهی دیگر به واسطه داشتن رابطه تجاری و دوطرفه مورد استفاده ما قرار می‌گیرند و دسته دیگر نیز به کمک ایران نیاز دارند که می‌توانیم کشورهای آفریقایی را در این گروه قرار دهیم. ایران با اجرای سیاستی مبتنی بر همکاری و استفاده از فرصتهای مناسب می‌تواند ثمرات مطلوبی به دست آورد.

۱۳- فرار مغزها یکی از مشکلات جهان سوم است و کشور ما نیز از این راه زیانهای فراوان دیده است. برای متوقف کردن یا کاستن از دامنه این جریان خطرناک و مقابله با سیاست جوامع

پیشرفته صنعتی در زمینه جذب سرمایه‌های معنوی جهان سوم چه پیشنهادهایی دارید؟

□ فرار مغزها یکی از پدیده‌های زیانبار دنیای ما محسوب می‌شود و ایران نیز زیانهای فراوانی به واسطه خروج نیروهایش دیده است. در گذشته، این امر شامل کارشناسان و افراد متخصص می‌شد که برای کسب درآمد بیشتر و با استفاده از امکانات علمی و رفاهی از کشور خارج می‌شدند اما امروز ما در بین اقشار گوناگون مردم شاهد گسترش این پدیده هستیم و افرادی که فاقد تخصص هستند برای پیدا کردن کار به کشورهای دیگر از جمله ژاپن می‌روند. این مسئله بدون شک علل اقتصادی-اجتماعی دارد. اگر در جامعه، رفاه اقتصادی و آزادیهای فردی تا حد مطلوب موجود باشد و جوانی که دوران تحصیل خود را به پایان می‌رساند با سردرگمی روبرو نشود و بتواند جذب دستگاهها و سازمانهای کشور شود، هرگز میل به مهاجرت پیدا نمی‌کند. اما جوانی که بارها پشت کنکور می‌ماند و نمی‌تواند درآمدی داشته باشد و نیازهای اقتصادی خود را برطرف کند، دچار یأس، ناامیدی و بی‌تفاوتی خواهد شد و به راحتی کشور خود را ترک می‌کند. به نظر من، دولت با فراهم کردن امکان تحصیل برای افراد با استعداد، رفع مشکلات متعدد اقتصادی و بویژه بیکاری و سرانجام ترسیم آینده‌ای مطمئن و قابل دسترس برای جوانها، می‌تواند از خروج بی‌رویه ایرانیان به سایر کشورها جلوگیری کند. از آنجایی که هر سال جوانان بسیاری از ورود به دانشگاه محروم می‌شوند، دولت می‌تواند از انحصار طلبی در آموزش و پرورش خودداری کند و امکان تشکیل دانشگاه‌های خصوصی را فراهم نماید.

۱۴- وضع ایرانیان مقیم خارج از کشور را چگونه می‌بینید؟ ایجاد یا تقویت چه عوامل و انگیزه‌هایی را به منظور بازگرداندن و بهره‌گیری مؤثر از نیروهای متخصص مناسب می‌دانید؟

□ همانطور که اشاره کردم علل و عوامل مختلف اقتصادی-اجتماعی باعث مهاجرت به خارج از کشور می‌شود و با از بین بردن موانع، می‌توان قشر وسیعی از افراد مهاجر را به کشور

○ ایران کشوری از جهان سوم است که از نظر اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی منابع محدودی دارد لذا باید از سیاستی صحیح منطبق بر نیازها و امکانات خود پیروی کند. در غیر این صورت، دچار تضاد خواهد شد.

بازگرداند. مسلماً اگر شرایط زندگی در داخل کشور فراهم باشد، تمایلی برای رفتن از کشور به وجود نمی‌آید. اما باید در این زمینه کارهایی صورت بگیرد، امکانات گسترش یابد، آموزش همگانی شود و شرایط دستیابی به کار و تحصیل برای افراد باصلاحیت فراهم گردد.

۱۵- به نظر شما برای اصلاح نظام آموزش و پرورش از کجاست تا دانشگاه چه باید کرد؟ چه توصیه‌هایی برای هدایت نسل جوان و مقاوم ساختن آنان در برابر جنبه‌های مبتذل و زینبار فرهنگ و شیوه زندگی غربی و بالاخره آشنا نمودن آنها با فرهنگ توسعه بر مبنای ویژگیها و نیازهای جامعه ایرانی دارید؟

□ من در آموزش و پرورش معتقد به اصل اقتناع هستم نه زور. هر چیز که جنبه ارعاب و تهدید به خود بگیرد با شکست مواجه می‌شود. در سیستم آموزشی باید راههای افراط و تفریط را کنار بگذاریم و میانه‌رو باشیم. یعنی ضمن این که به دستورات مذهبی توجه می‌کنیم، نیازهای طبیعی انسان را نیز نادیده نگیریم. انسان موجودی است که از زیبایی یک منظره و از دیدن رنگی شاد احساس رضایت می‌کند. مسلماً همه ما ترجیح می‌دهیم به یک طبیعت سبز و پر گل نگاه کنیم تا به صحنه تصادفی وحشتناک. با توجه به نیازهای مختلف انسان می‌توانیم به تغییر و دگرگونی در آموزش و پرورش ایران مبادرت کنیم زیرا امروز، لزوم تحصیل و علم آموزی برای همه تقریباً آشکار شده است اما اگر افراد درست آموزش نمی‌بینند، عیب و نقص را باید در مراکز تربیت معلم و سایر نهادهای آموزشی پیدا کنیم. مامی توانیم به جای استفاده از روشهای زور و تهدید و ارعاب، توسط متخصصان روانشناسی، از روشهای ظریفتر برخوردار با افراد استفاده کنیم. نمی‌توان از یک فرد ۱۷ یا ۲۰ ساله انتظار داشته باشیم که مانند پدر ۵۰ ساله خود با مسائل برخورد کند. از طرف دیگر اگر امکانات تفریحی مناسب در اختیار جوانان نباشد، آنها انرژی و توان خود را هدر می‌دهند. همانطور که در خیابانها شاهد افرادی هستیم که زیر پلهای هوایی یا در مکانهای پر ترافیک فوتبال بازی می‌کنند. موضوع دیگری که باید مطرح کنیم، لزوم مبادلات فرهنگی و

علمی بین کشورهاست. اگر مادرزمینه‌های گوناگون علمی از جمله علوم پزشکی، فنی و تکنولوژیک به مبادله کتب و اطلاعات بپردازیم آگاهی بیشتری پیدا خواهیم کرد. در این زمینه می‌توان به استفاده از ماهواره‌ها با تکیه بر ارزشهای اصیل خود، اشاره کرد. واضح است که ایجاد شرایط مناسب اقتصادی و فرهنگی و برخورداری همه مردم از آن در نهایت به نفع کل جامعه و کشور است زیرا بزرگترین سرمایه هر کشور، مردم آن است؛ چنان که ژاپن بدون داشتن منابع قابل ذکر، تقریباً دومین قدرت اقتصادی جهان است و عده‌ای قرن ۲۱ میلادی را قرن ژاپن می‌دانند. این قدرت جز از طریق سیاستهای آموزشی، اقتصادی و اجتماعی مناسب در داخل کشور به دست نیامده است. استفاده از مواهب زندگی، در مذهب ما مورد تأکید قرار گرفته و جامعه‌باز به مراتب سریعتر از یک جامعه بسته به قدرت، امنیت، رفاه و آزادی خواهد رسید. همیشه برای من این پرسش مطرح است که چرا یک جوان ۲۵ ساله ایرانی از نظر داشتن علم و تخصص محتاج یک فرانسوی یا سوئیسی همسنگ خود است. به نظر می‌رسد علت این امر را باید در سیستم آموزش و پرورش و دانشگاهی ایران جستجو کنیم.

۱۶- به نظر شما، بازگشت به هویت ایرانی برای نسل جوان کشور ما، می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای کسب شخصیت مستقل باشد؟

□ کسب شخصیت و پرستیژ عوامل متعددی دارد. هر فرد باید در جامعه احساس سودمندی کند و مجموع عوامل اقتصادی-اجتماعی یک جامعه، در افزایش روحیه و نیروی افراد دخالت مستقیم دارد. مسلماً چنین افرادی، با روحیه و احساس مفید بودن، می‌توانند به فرهنگ و هویت خود نیز پی ببرند. ایران تاریخی پر بار و فرهنگی غنی دارد. ما در جامعه بین‌المللی حرفی برای گفتن داریم اما متأسفانه رژیمهای دیکتاتوری در گذشته مردم را از غنای فرهنگی خود دور کرده‌اند. مسلماً شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی، آشنایی با گذشته پر بار کشور و همراه آن، رفع نارسائیهای اقتصادی-اجتماعی، در شکل‌گیری شخصیت نسل جوان بسیار مؤثر است. ■

○ پدیده زیان بار «فرار مغزها» بدون شك علل اقتصادی-اجتماعی دارد. اگر در جامعه رفاه اقتصادی و آزادیهای فردی در حد مطلوب موجود باشد و آینده‌ای مطمئن و قابل دسترس از لحاظ تحصیل و کار برای جوانان ترسیم گردد، گرایش به مهاجرت بشدت کاهش می‌یابد و زمینه بازگشت بخش وسیعی از ایرانیان متخصص به کشور فراهم می‌گردد.